

کاربست انتقادی نظریه طرح‌واره‌های تصویری «عند» در قرآن در معناشناسی شناختی

فاطمه قربانی لاکتراشانی^۱
زینب‌السادات حسینی^۲

چکیده

قوه شناختی به عنوان یکی از مهم‌ترین قوای ادراکی انسان، مورد کاربرد خداوند در فهم موضوعات قرآنی است. طرح‌واره‌های تصویری، الگوهایی تکرارشونده و پویا از تعامل ادراکی و حسی - حرکتی انسان بوده و از تجربیاتی معنادار تشکیل شده‌اند؛ به نحوی که بیشترین کاربرد را در روابط او با محیط پیرامون دارند. ظرف «عند» که در ترجمه فارسی با واژه «نزد» معادل بوده و مفهومی از مجاورت را منتقل می‌سازد، در قرآن دارای کاربردهای استعاری متفاوتی است. در پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی، علاوه بر احصای کاربردهای استعاری، طرح‌واره‌های واژه «عند» در قرآن که قابلیت تصویرسازی در ذهن مخاطب داشته و مفهومی ویژه را منتقل می‌سازد، مورد دسته‌بندی قرار گرفته‌اند. طبق دستاوردهای پژوهش، طرح‌واره‌های مبنایی قابل انطباق با واژه «عند»، شامل «جهتی، مهارشدگی، اتحاد، مجاورت، نیرو و موجودیت» بوده و عنوان «برجستگی» و زیرعنوان «طرح‌واره خطی (جهتی دوسویه)» از موارد ابداعی مقاله حاضر می‌باشد. لازم به ذکر است، اصالت‌دهی به مقوله طرح‌واره‌های تصویری در مرزهای مفاهیم متافیزیکی در قرآن، باید با دقت و حساسیت صورت گرفته و در تفسیر و برداشت آیات، مجازی بودن کاربردها مورد تاکید و تحلیل قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، عند، مجاورت، طرح‌واره‌های تصویری، بسط استعاری.

*تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۳۱ |DOI: 10.29252/PAQ.9.1.53

۱ - دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسئول).
f.qrb2017@gmail.com

۲ - دانشیار گروه الهیات دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.
z.hosseini@umz.ac.ir

مقدمه

طرح‌واره‌های تصویر از موضوعات علم معناشناسی شناختی است و از الگویی تکرارشونده برخوردار و با برداشت از تعاملات ادراکی انسان ایجاد شده‌اند. این کاربردها در آیات قرآنی نیز قابل مشاهده بوده و از طریق مجازانگاری و استعاره‌گزینی در قاب ذهنی مخاطب تصویر می‌گردند. این طرح‌واره‌ها «با کمک نمادهایی، معنا را به تصویر می‌کشند و هر یک در ساختار عبارت در قبال معنا دارای وظیفه‌اند». (نصرتی، ۱۳۹۴: ۴۸)

لیکاف و جانسون به‌عنوان نظریه‌پردازان این بحث، معتقدند که طرح‌واره‌های تصویری، از تجربیات ساده انسانی نسبت به مقولاتی چون حجم، مسیر، ارتباط، نیرو و تعادل و نیز جهات ارتباطی نظیر بالا و پایین، جلو و عقب، جزء و کل، مرکز و حاشیه، تماس، مجاورت و حمایت، نزدیک و دور، پر و خالی ایجاد گشته (Lakeoff, 1987: 126; Johnson, 1987: 268) و بشر توسط این ساختارهای ذهنی، قادر به درک مفاهیم مجرد و انتزاعی می‌گردد.

از مفاهیم مورد نیاز در تحلیل ظرف «عند» بر اساس مدل طرح‌واره‌های تصویری، «مسیرپیما» و «مرزنا» هستند که با عناوین^۱ (TR) و^۲ (LM) معرفی می‌گردند. مسیرپیما (TR) به‌عنوان شیء برجسته نسبت به اشیای پیرامونش مطرح می‌گردد که قابلیت حرکت داشته و مرزنا به‌عنوان نقطه ارجاعی عمل می‌کند و نسبت به مسیرپیما دارای ویژگی‌هایی چون بزرگ‌تر بودن، ثبات داشتن و قابل درک بهتری بودن می‌باشد (رک: گلفام و یوسفی راد، ۱۳۸۸: ۳۸-۳۹).

در طرح‌واره تصویری معنای پیش‌نمونه‌ای «عند»، مسیرپیما (TR)، در مجاورت مرزنا (LM) قرار می‌گیرد.

شکل ۱: معنای پیش‌نمونه‌ای «عند» در مفهوم مجاورت



- 1- Trajector.
2 - landmark.

بنابراین، در طرح‌واره‌های تصویری می‌توان مفاهیم ذهنی را درک نمود که در قالب‌های مختلف شناخته شده و به‌کار می‌رود. در معناشناسی شناختی معنا و مفهوم نشانه‌ها مورد بررسی قرار گرفته و به بخش‌های مختلفی تقسیم می‌گردد. طرح‌واره‌های تصویری ساختارهایی تجربی و با مبنای بدن‌مند و پیش‌مفهومی‌اند که خواستگاه آن‌ها حرکت‌های تکرارشونده بدن انسان در مکان، تعاملات ادراکی و به‌کارگیری اشیاء است. (Hampe, 2005: 1-2) طرح‌واره‌های تصویری الگوهای ذهنی طیف وسیعی از مفاهیم و تجربیات‌اند. (Turner, 1991: 176-177) قرآن کریم نیز به‌عنوان معجزه آسمانی متن محور، برای فهم مطالب فوق‌مادی و ماورائی خود، از طرح‌واره‌های تصویری بهره می‌برد.

«عند» که ظرف مکانی است، تعبیری آشنا و موجود در ذهن و ادبیات انسانی است، در آیاتی که وارد فضاهای الهی و غیرمادی می‌گردد، کاربردهای متفاوتی می‌یابد. با این مقدمه این سوالات مطرح می‌شود که طرح‌واره‌های تصویری ایجادشده با واژه «عند» کدامند؟ و چگونه این طرح‌واره‌ها در جهت دسته‌بندی وجوه معنایی واژه «عند» در قرآن کریم کاربرد داشته است؟ چگونه می‌توان بین تلاش قرآن در تنزیه ذهن توحیدی بشر و نظریه طرح‌واره‌های تصویری سازگاری و تطابق ایجاد نمود؟ این پژوهش به این سوالات پاسخ داده و در این راستا ابتدا با استخراج تمام آیاتی که در آن ظرف «عند» به‌کار رفته و احصای ابعاد معنایی آن در کتب لغویون، طرح‌واره‌های تصویری آن را به روش توصیفی-تحلیلی در آیات مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد. سپس کاربردهای استعاری و نیز طرح‌واره‌های متصور در این واژه تحلیل و ارائه می‌گردد.

۱- مفهوم شناسی واژه «عند»

«عند»، ظرف مکان و زمان است. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۰۹؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸: ۲۳۶) و استعمال آن در معنای آنچه در نزد و حضور و یا نزدیک کسی است، (ابن هشام انصاری، بی‌تا، ج ۱: ۱۵۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳: ۳۰۷) می‌باشد. «عند» می‌تواند به‌عنوان ظرفی برای معانی کاربرد داشته باشد. (ابن هشام انصاری، بی‌تا، ج ۱: ۱۵۶) در کاربرد معنای نهایت نزدیکی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (سامرائی، ۲۰۰۰، ج ۲: ۲۱۳) ضمن اینکه این حضور متضمن معنای مالکیت نیز می‌باشد، (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸: ۲۳۶) و در مفهوم قرب و نزدیکی آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۹۰؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۵۶)

در کتب لغت به تفاوت قرب و عند اشاره نشده است، اما در تفاوت «عند» و «لدن» آمده که «لدن»، اخصّ از «عند» بوده و غالباً در ابتدای جمله می‌آید و می‌تواند در جایگاه «عند» قرار گیرد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۳۹) «عند» هر زمان که با حرف جر «مِن» همراه می‌گردد، معنای جانب، سوی و ناحیه را داشته و عهده‌دار معنای «لدن» می‌گردد. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۱۰) بنابراین، «عند» دلالت بر نوعی ارتباط و نزدیکی دارد و در کاربردهای زمانی یا مکانی یا نزدیکی به چیزی وجود دارد. ظرافت و لطف تعبیر این واژه آن است که در مجاورت با هر واژه‌ای، بر ارتباط شدید با آن چیز تاکید نموده و لذا لزوماً در معنای ظرفی نمی‌باشد که در ادامه در هریک از طرح‌واره‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲- پیشینه مطالعاتی طرح‌واره‌های تصویری

در بحث طرح‌واره‌های تصویری می‌توان به آثار مختلف علمی که در حوزه قرآنی صورت پذیرفته است، اشاره نمود، مانند:

مقالات «بررسی طرح‌واره‌های تصویری حرف «فی» در قرآن با تکیه بر نظریه جانسون» (۱۳۹۵ش)؛ «بررسی شبکه معنایی حرف جر «علی» در قرآن با رویکرد شناختی» (۱۳۹۷ش)؛ «بررسی مدل‌های چند معنایی حرف «الی» در قرآن با رویکرد معناشناسی شناختی» (۱۳۹۸ش) اثر توکل نیا و حسومی که در این مقالات به بررسی حروفی پرکاربرد در قرآن پرداخته که در آیات مختلف، تصاویر کاربردی متعددی را در ذهن مخاطب ایجاد نموده و به جهت روشی با مقاله حاضر مشابه عمل نموده است. کتاب «معناشناسی شناختی قرآن، با نگاه شناختی» اثر قائمی‌نیا (۱۳۹۰ش) به بررسی آیات مختلف پرداخته و نمونه‌هایی از مفهوم سازی قرآن از حروف در آیات را به‌طور موردی مورد بررسی قرار داده است. مقالات مختلفی از کاربرد طرح‌واره‌های تصویری در زبان فارسی نیز مطرح گشته است که با توجه به متفاوت بودن منبع مورد مطالعه از ذکر آنها خودداری می‌گردد. بررسی این مقوله حتی در ترجمه‌های ارائه شده از آیات قرآن نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. برای نمونه مقاله «بررسی شبکه معنایی حرف «فی» و اهمیت آن در ترجمه قرآن از منظر معناشناسی شناختی» اثر ایمانی و منشی‌زاده (۱۳۹۴ش) است که نگارندگان با احصای مفاهیم مکانی و کانونی حرف «فی» سایر معانی که ممکن است به شکل مجازی و یا انتزاعی و یا فیزیکی از آن استنباط شود، استخراج و ارائه نموده و با

کمک طرح‌واره‌های تصویری، نمود آن‌را در ترجمه فارسی مورد بررسی قرار داده‌اند. با این توضیحات می‌توان گفت، پژوهش مستقلی که ظرف «عند» را در قالب طرح‌واره‌های تصویری در قرآن مورد بررسی قرار دهد، انجام نپذیرفته است. همچنین با توجه به اینکه با جستجوی کلیدواژه‌های «عند» و «عندیت» در مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتب تالیف شده، پژوهش مستقلی که به این مفهوم به روش معناشناسی و یا حتی توصیفی بپردازد، یافت نگردید، لذا این مقاله از نوآوری در بحث طرح‌واره‌های تصویری برخوردار است

۳- معنای پیش‌نمونه‌ای و اصلی ظرف «عند»

معنای پیش‌نمونه‌ای و اصلی که «عند» دارد برای اشاره به موقعیتی است که در آن یک (TR) به- عنوان مسیریپما در کنار یک حجم (LM) قرار می‌گیرد.

«عند» در قرآن با واژگان «رب، الله، رحمن، رسول، سدره، ملیک، عرش، نفس، باری» هم‌نشین گشته و کاربردهای معنایی متعددی را در این هم‌نشینی‌ها پذیرا می‌گردد. علاوه بر این واژگان، ضمائر نیز در کنار ظرف «عند» بار معنایی مختلفی پیدا نموده و طرح‌واره‌های تصویری مشابهی با واژگان هم‌نشین ساخته‌اند. اگرچه در برخی آیات، همان معنای ظرف بودن خود را القاء نموده و در مفهوم فیزیکی- مکانی کاربرد داشته‌است. مانند آنکه می‌فرماید:

«وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنْ تَنْجِيَهُ مِنَ الْمُنْجِيَةِ إِذْ كُنْتُمْ فِي السَّمَاءِ أَنْ أَنْزِلْنِي فِي السَّمَاءِ فَأَنْزَلْنِي فِي السَّمَاءِ فَذَكَرَ رَبَّهُ فَلَبِثَ فِي السَّمَاءِ بِضْعَ سِنِينَ» (یوسف/۴۲) طبق آیه حضرت یوسف (ع) به آن کس از آن دو که گمان می‌کرد خلاص می‌شود، خواست تا او را نزد آقای خود یاد کند ولی شیطان، این یادآوری را از ذهن او برد و یوسف (ع) چند سالی در زندان بماند. در این مثال قرآنی، حضور فیزیکی زندانی در نزد پادشاه مصر به ذهن متبادر می‌گردد و این تصور با واژه «عند» صورت گرفته است، به نحوی که (TR) با حرکت خود به نزد (LM)، در قرب و کنار او قرار گرفته و در این نزدیکی می‌تواند خواسته حضرت یوسف (ع) را مطرح نماید، بنابراین، نزدیک بودن به چیزی، یکی از بارزترین و پرکاربردترین معانی است که از این دسته از آیات قابل استنباط می‌باشد. برای نمونه در آیه ذیل با لفظ «عند» به مؤمنین نیازمند و مستضعف اطراف

رسول خدا(ص) اشاره و این معنا را از همنشینی با واژه رسول(ص) دریافت نموده‌است: «هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا» (منافقون/۷) طبق آیه برخی منافقین می‌گویند: به کسانی که نزد پیامبر خدایند انفاق مکنید تا پراکنده شوند. در تفسیر نیز «عند»، همان مؤمنین فقیری که همواره از مصاحبان رسول الله بوده‌اند، دانسته شده و پراکندگی از نزد ایشان مدنظر بوده- است(رک:طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۴۷۴). بنابراین، از آیه مزبور، می‌توان نزدیکی فیزیکی و درکنار پدیده‌ای قرار گرفتن را استنباط نمود.

۴- بسط استعاری معنای پیش‌نمونه‌ای «عند» در قرآن کریم

علاوه بر معنای پیش‌نمونه‌ای و اصلی ظرف «عند»، کاربردهای استعاری از این واژه در قرآن وجود دارد که موضوعات غیرملموس و انتزاعی را به‌ذهن نزدیک و قابل درک می‌گرداند. این واژه، با کدگذاری مفاهیم و نگاشت آن به یک حوزه ذهنی، به استعاره‌پردازی در آیات قرآن پرداخته است. در دیدگاه لیکاف و جانسون، الگوبرداری نظام‌مند میان عناصر یک موضوع، از تجربیات حسی و ملموس انسان با موضوع ذهنی و انتزاعی دیگر را، در معناشناسی شناختی، استعاره می‌نامند. (see: Johnson, Lakeoff, 1993 : 243) معنای خاصی که با تأمل در مفهوم «عند» در همنشینی با واژگان دیگر ایجاد می‌گردد به‌شکلی است که می‌تواند طرح‌واره‌ای را شکل داده و در تعبیر ما تغییراتی ایجاد و آن‌را از معنای مادی و حسی به مقوله‌ای متافیزیکی تبدیل نماید. در ادامه مواردی از استعاره‌پردازی با واژه «عند» در مصادیق قرآنی، ارائه می‌گردد.

۴-۱- حکم، تقدیر و قضاوت الهی

کاربرد «عند» در برخی آیات قرآنی بار معنایی «حکم» را به‌همراه داشته‌است. این واژه با همنشینی با سایر واژگان آیه، این معنا را به مخاطب القاء می‌نماید. برای نمونه خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِبْنِكُمْ أَظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ» (بقره/۵۴) آیه اشاره به فرمان و امری دارد که درباره موضوعی صادر می‌گردد.(رک:

طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۷۹) در این آیه همنشینی «عند» و «بارئکم»، در القای معنای حکم کاربرد یافته- است؛ یعنی خداوند در حکمی از احکام خود، این اعمال را خیر برمی‌شمارد.

مفهوم «حکم» در کتب لغویون به عنوان یکی از ابعاد معنایی «عند» عنوان گشته است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۹۰؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۵۶) در حقیقت با توجه به بافت متن و سیاق واژگان امکان دریافت معنایی غیر از معنای پیش نمونه ای وجود دارد (رک: صفوی، ۱۳۹۳ش: ۱۹۶). آیات شریفه «إِنَّ

الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْأِسْلَامُ» (آل عمران/۱۹) و نیز «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبِئْمُ» (انفال/۲۲)

شاهد مثالی برای معنای حکم از واژه «عند» در قرآن می‌باشند. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۵۶) در آیه اول، اعلام می‌دارد که دین، در تعبیر خداوند و به حکم او اسلام است. (رک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۱۸۸) و نیز در آیه دوم عنوان می‌شود که بدترین جنندگان در حکم خداوند، کران و لالانی‌اند که نمی‌اندیشند، زیرا ایشان از آن‌جایی که اهل تعقل نیستند و به‌جهت فرو رفتن در شهوات، قدرت تمیز حق از باطل

را از دست داده‌اند. همچنین در آیه «وَإِخْرَاجِ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ» (بقره/۲۱۷) بیرون راندن اهل مسجد الحرام از آنجا، در حکم الهی، نزد خدا گناهی بزرگتر دانسته شده است. (رک: آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱:

۵۰۴؛ اندلسی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۳۹۰) در عبارت فوق، مقصود آنست که با وجود آنکه اجداد و نیاکان رسول اکرم (ص) از افتخارات مکه بوده و در آن سکونت داشتند، ایشان را به‌جهت عنادی که با حضرتش در اجرای امر رسالت داشتند، از وطن خویش آواره نمودند. رسول خدا (ص) درصدد بودند تا شعار توحید و اعمال حج را در حرم پروردگار به‌جا آورده و این محل را مرکز نشر دین قرار داده و از لوث بت‌پرستی پاک نماید، اما کفار قریش، ایشان را از این نعمت محروم داشته و او و یارانش را از آن دیار بیرون راندند. این عمل ایشان در حکم الهی نزد خدا بسیار بزرگتر است از آن عملی که اصحاب رسول الله (ص) کرده‌اند. (رک: امین، ۱۳۶۱، ج ۲: ۲۸۷؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۱۹۴) بنابراین در نگاه تفاسیر نیز «عندالله»، در تقدیر «عند حکم الله» می‌باشد.

معنای استعاری قضاوت کردن خداوند نیز در بسیاری از آیات قابل ملاحظه است. در آیه «الْمَالُ وَ

الْبُنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْبَابِاتِ الصَّالِحَاتِ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمْلًا» (کهف/۴۶) دو مقوله زینت‌های

دنیوی یا باقیات صالحات مورد مقایسه قرار گرفته و در محکمه قضاوت پروردگار، یکی بر دیگری برتر و ارزشمندتر دانسته شده است. «خیر» صفت مشبیه و در معنای سعه وجودی ایمان و تقوی و اعمال صالحه است که زمینه‌ساز راه سعادت بشر معرفی گشته است.

طبق تفاسیر اعمال آدمی برای او باقی مانده و در نزد خدا ثواب بهتری دارد. (رک: طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۴۴۳) در این آیه، دو مقوله زینت‌های دنیوی یا باقیات صالحات مورد مقایسه قرار گرفته و خداوند اعلام می‌دارد که یکی بر دیگری برتر و ارزشمندتر است و بدون شک نتیجه این مقایسه در قیامت و سرای دیگر که محل اجرای عدالت الهی و برقراری حکم پروردگار است، زمینه تحقق و بروز می‌یابد. بنابراین، آنچه از سیاق کلمات در آیه و موازنه و مقایسه‌ای که در آیه، در دو مقوله خیر دنیا و آخرت صورت داده شده است، می‌توان دریافت نمود، آن است که خداوند حکم نهایی را در خصوص این مساله اعلام داشته و بار این وظیفه بر دوش واژه «عند» است.

در آیه «لِيُحَاجُّوْكُمْ بِهِ $\frac{عِنْدَ}{tr}$ $\frac{رَبِّكُمْ}{tm}$ » (بقره/۷۶) نیز می‌توان گفت که «عند» در واقع در تقدیر «عِنْدَ حَكْمِ رَبِّكُمْ» و نظیر آن باشد. (رک: آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۰۱) همچنین در آیه «هُمُ $\frac{دَرَجَاتُ}{tr}$ $\frac{عِنْدَ}{tm}$ $\frac{اللّٰهِ}{}$ وَ اللّٰهُ بَصِيْرٌ

بِمَا يَعْمَلُوْنَ» (آل عمران/۱۶۳) اشاره به درجات مؤمنین دارد که از پس قضاوت و اجرای عدالت و تحقق وعده‌های الهی به ایشان داده می‌شود. همچنین این کاربرد استعاری در آیه «لَوْ لَا جَاؤُا عَلَیْهِ بِاَرْبَعَةٍ شُهَدَاءَ فَاِذْ لَمْ يَأْتُوْا بِالشُّهَدَاءِ $\frac{فَاَوْلٰئِكَ}{tr}$ $\frac{عِنْدَ}{tm}$ $\frac{اللّٰهِ}{}$ هُمُ الْكَافِرُوْنَ» (نور/۱۳) نیز قابل صدق است. طبق نظر آیه، اگر در آنچه می‌گویند و نسبت می‌دهند راستگو باشند، باید بر گفته خود شاهد بیاورند و شهود چهارگانه را حاضر سازند، پس وقتی شاهد نیاورند شرعاً محکوم به کذب هست؛ شرعی که خداوند بر اساس آن حکم نموده و بر طبق آن قضاوت می‌نماید.

۴-۲- حتمیت

گاهی در ظرف «عند» ارتباطی از نوع مفهوم بقاء یا حتمیت قابل استنباط است. یکی از ابعاد معنایی که از عبارات «عندالله» قابل استنباط است، حتمیتی است که در فحوای کلام موجود است. این حتمیت حتی در آیاتی که در حکم و قضاوت الهی مطرح شد نیز قابل دریافت است، زیرا حکم الهی خلافی

ندارد و با قطعیت صادر و اجرا می‌گردد. برای نمونه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصْرَىٰ وَالصَّبِيْنَ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (بقره/۶۲) عبارت «عِنْدَ رَبِّهِمْ» در معنای عندیت مکانی نبوده و آن محالی است که در خدا راه ندارد؛ بلکه اجر ایشان، امر متیقنی است. (رک: فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۵۳۷) که نزد خداوند ضایع نشده و محفوظ است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۸۱) و معنای حتمیت حفظ ثواب در این قول وجود دارد. (رک: قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۵۶) در این آیه «عند» بار معنایی محفوظیت اجر و ثواب در نزد پروردگار را داراست، بنابراین، می‌توان در این نوع از آیات که به‌طور معمول اشاره به اجر و ثوابی حتمی از جانب خداوند دارد، با معادلی اضافه این حتمیت و محفوظیت اعلام گردد.

در آیه شریفه: «وَمَا تَقْدُمُوا لِنَفْسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ» (بقره/۱۱۰) و نیز آیاتی که در آنها خداوند در آن به اجر و ثوابی در آخرت و در نزد او «عِنْدَ رَبِّهِمْ» اشاره دارد، مفهومی از جاودانگی اجر و نیز حتمیت حضور نتیجه عملی که فرستاده شده است، قابل استنباط می‌باشد؛ (رک: قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۵۶) زیرا بنده ثواب عملش را در نزد خداوند سبحان می‌یابد (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۵۷). و آنچه از اعمال خیر و افعال نیکو پیش فرستاده، برای پس از مرگ خود نزد خدا محفوظ است. (محفوظیت حضور اعمال) (رک: حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۹۳) و این کلام امیددهی و تشویق مؤمنین است. (رک: امین، ۱۳۶۱، ج ۲: ۳۷) بنابراین این بسط استعاری در نگاه مفسران نیز مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین در آیاتی چون: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (أنفال/۲۸) و «لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ يَكْفَرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ كَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا» (فتح/۵) که در آن به ترتیب اجر و فوز از مقوله‌های حتمی جاودانه سرای آخرت عنوان شده و این حتمیت با واژه «عند» به مخاطب انتقال یافته است. همچنین لازم به ذکر است که این حتمیت در آیاتی که سزای عمل مجرمان را وعده می‌دهد، نیز قابل استنباط است. طبق وعده خداوند در آیه «إِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ

اللَّهُ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يُجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أُجْرَمُوا $\frac{\text{صَفَاةً}}{tr} \frac{\text{اللَّهُ}}{tm}$ عِنْدَ (أنعام/۱۲۴)، مردم بهانه‌جو و مغروری که با دعوت پیامبر اسلام (ص) مبارزه نمودند، هنگام رستاخیز به حسرت‌ها و شعله‌های آتشین عقوبت خواهند شد. (رک: حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۱۵۱۹) این وعده الهی با واژه «عند» حتمی وعده داده شده است.

۳.۳. علم

گاهی در برخی آیات، واژه «عند» ارتباطی بین «dm» و «tr» ایجاد می‌نماید که از برآیند آن مفهوم «علم» استنباط می‌شود. برای نمونه در آیه «اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيصُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَ كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَ $\frac{tm}{tr}$ بِمِقْدَارٍ» (رعد/۸) مراد از «عند»، علم خداوندی است. در ابتدای آیه خداوند اشاره دارد که به خفی‌ترین چیزهایی که سایر انسان‌ها از آن غیرمطلع بوده و راهی به علم آن ندارند، آگاه است، مانند آنکه کدام جنین دقیقاً در چه زمانی متولد خواهد شد و یا اینکه آیا فرزند زودتر و یا دیرتر از موعد مقرر به دنیا خواهد آمد، (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۱۳۴) و یا اینکه جنسیت فرزند پسر و یا دختر است و یا ذرات خون که طبیعت آنرا برای غذای جنین به رحم می‌ریزد و یا ذرات خونی که زیاده بر نیاز جنین است. «وَ كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ» یعنی خواسته‌ای است که در نظام جهان عضویت و جزئیت دارد و هر موجود و خواسته‌ای حد و مرزی از هستی دارد چه از نظر حد جسمانیت و چه از لحاظ سعه و قدر و بهره وجودی آن و موجود خارجی که جزء نظام هستی است، محال است دارای حد مشخص و بهره معین نباشد. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۹: ۱۷۵) از این رو، دلیل کاربرد کلمه «عنده» می‌تواند این باشد که در نظام ربوبیت، هر موجودی قدر و اندازه مشخصی دارد و در همه مراحل در نزد پروردگار حاضر و از او جداناپذیر است. آیه بعدی در سیاق این مفهوم و موید آن است که می‌فرماید: «عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ» (رعد/۹) که بر غیب و نهان آگاهی داشته و تاکید بر معنای آیه گذشته است. لذا کاربرد «عند» در این آیه می‌تواند حامل معنای صفاتی چون علم، مشیت و احاطه پروردگار باشد. خداوند در نمونه‌ای دیگر می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَ

النُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ* هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَ أَجَلَ مَسْمُومٍ عِنْدَ $\frac{tm}{tr}$ ثُمَّ

أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ» (أنعام/۱-۲) در این آیات به علم خداوند اشاره شده و واژه «عند» می‌تواند بازتاب این صفت الهی در خصوص اجل مسمی باشد. (رک: ابن عجبیه، ۱۴۱۹، ج ۲: ۹۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۸۴) طبق آیات فوق، ذات احدیت در مقام معرفی خود برآمده که پس از آفرینش آسمان‌ها و زمین و تاریکی‌های عدم ممکنات و روشن گردانیدن آنها به نور، وجود بنی‌آدم را از گل آفریدم و در عالم قضاء و دفتر آفرینش برای حیات دنیوی شما مدت قرار دادم. (امین، ۱۳۶۱، ج ۵: ۶) بنابراین در این آیه به علم خداوند در خصوص اجل مسمی اشاره دارد که این احاطت علمی و ایجاد ارتباط بین «lm» و «tr»، با واژه «عند» صورت گرفته‌است.

همچنین طبق دیدگاه تفاسیر در آیه «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (حجر/۲۱) واژه «عندنا» بازتاب معنای علم و اراده الهی بوده، (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۷: ۲۷۶؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۹: ۳۵۴) و در تقدیر معنای «عند علمنا» می‌باشد. مفاد «عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ» آنستکه همه موجودات صحنه هستی پرتو و نمونه‌ای از آثار و نظام ربوبی بوده و مسطوره‌ای از علم و اراده پروردگار است. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۹: ۳۵۵) طبق عبارت «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ» هر موجودی قبل از ورود به این عالم، در علم و احاطه پروردگار مشخص و مورد تقدیر بوده و هریک از آفریده‌ها، شئونی از علم الهی است که در عبارت فوق «عِنْدَنَا» به‌خوبی در بازتاب این معنا، نقش ایفاء می‌نماید.

در آیه شریفه‌ای دیگر اینگونه می‌فرماید: «قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ» (ق/۴). در عبارت «عِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ» یعنی نزد ما کتابی است که حافظ هر چیز است، بلکه آثار و احوال هر چیزی را هم ضبط می‌کند و یا معنایش این است که: «نزد ما کتابی است که خود آن کتاب محفوظ است و حوادث، آنرا دچار دگرگونی و تحریف نمی‌کند.» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸: ۵۰۷) و آن اشاره به علم پروردگار دارد که در آن تفصیل اشیاء آمده که از تغییر محفوظ و آنچه مورد تأکید است، علم خداوند است. (رک: آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۳: ۳۲۵) بنابراین، در قرآن معنای «عند» می‌تواند واژه مناسبی برای درک مفهوم علم الهی بوده و «عندنا» در تقدیر «عند علمنا» می‌باشد.

در نمونه‌ای دیگر، مقصود کلی از آیه «وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ

مبین» (انعام/۵۹) علم الهی به عالم غیب است که در تفاسیر نیز به آن اشاره شده است (رک: آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۱۶۲) و بیان می‌دارد که تنها خدای سبحان است که عالم به‌غیب و علمش شامل هر چیز است و کسی جز خدا به آن خزینه‌ها و یا به گشودن درهای آن و تصرف در آن دسترسی ندارد. (رک: طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۱۷۸) با توجه به نمونه‌های فوق، یکی از مهم‌ترین و بارزترین معانی استعاری از واژه «عند»، مفهوم صفت علم الهی است که در قالب تصویرسازی آیات قابل دریافت می‌باشد.

۴-۳- جانب و ناحیه

در آیات ذیل مفهوم ناحیه و جانب، از واژه «عند» قابل استنباط است، بدین شکل که «*dm*» ثابت فرض شده و (*tr*) به سمت و جهتی حرکت می‌نماید که در غالب موارد، در حالت نزول از بالا به پایین می‌باشد. مانند: «وَلَمَّا جَاءَهُمْ $\frac{کِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ$ (بقره/۸۹) و نیز «وَيَقُولُونَ $\frac{هُوَ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ$ (آل عمران/۷۸) که در این آیات، واژه «عند» با ایجاد ارتباط بین «*dm*» و «*tr*»، مفهوم جانب و ناحیه را القاء می‌نماید. در تفاوت معنای پیش‌نمونه «عند» و این معنای استعاری باید گفت که در این طرح‌واره کاربرد حرکت از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر به شکل نزولی و از جانب پروردگار صورت پذیرفته است در حالی که در معنای پیش‌نمونه، ضرورتاً حرکتی در میان نبوده و تنها مفید معنای همراه بودن و مجاور بودن گشته است. ذکر این نکته ضروری است که حرف جر «من» نقش مهمی در انتقال این مفهوم از واژه «عند» را داراست و به مبدا و مقصد اشاره دارد.

۴-۵- حساب

در آیات ذیل می‌توان گفت که تقدیر عند در واقع، «عِنْدَ حِسَابٍ رَبِّكُمْ» و نظیر آن باشد. در آیه «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ $\frac{عِنْدَ رَبِّهِمْ$ » (سجده/۱۲) واژه «عند» به‌تنهایی عهده‌دار معنای «حساب» می‌گردد. و یا در آیه «إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ $\frac{عِنْدَ رَبِّهِمْ$ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ» (قلم/۳۴) برای متقین در محکمه الهی و در روز حساب، جنات نعیم تعیین شده است که واژه «عند» به‌تنهایی این بار معنایی را ارائه نموده است.

۴-۶- مالکیت

مالکیت و صاحب چیزی بودن از دیگر مفاهیم کاربردی «عند» در آیات قرآن کریم می‌باشد. در آیه شریفه «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لِّيُؤْمِنُوا بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ» (أنعام/۱۰۹) صاحب و مالکیت معجزات از آن خداوند دانسته شده است. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۴۴۰) در این آیه کفار و مشرکین به خداوند قسم یاد می‌نمودند که اگر برای ما آیتی و معجزه‌ای مثل انبیای گذشته پیش آید، ایمان می‌آوریم، در اینجا به رسولش امر فرموده که بگو آیات نزد خدا است، بدین معنا که خدای تعالی به همه نوع و همه اقسام معجزات قدرت دارد. (امین، ۱۳۶۱، ج ۵: ۱۱۲) همچنین علم در آیات شریفه «وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ» * قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (ملک/۲۶) به مالکیت خداوند اشاره دارد. در این آیات «عند» نقش رابط مسیریما و مرزما را ایفاء نموده و متضمن معنای مالکیت خداوند است.

۵- طرح‌واره‌های تصویری «عند» در قرآن کریم

طرح‌واره‌هایی که از تغییر معانی اصلی ظرف «عند» تشکیل شده و مقولاتی خارج از معنای نمونه-ای و نیز بسط استعاری را در ذهن تداعی می‌نماید، شامل موارد زیر است:

۱-۵- طرح‌واره‌های جهتی

در طرح‌واره‌های جهتی که مبتنی بر تجربه‌های بشری است، انسان با موضوعات پیرامونی ارتباط گرفته و سنجیده می‌شود و نمونه‌هایی چون دور و نزدیک، بالا و پایین از آن جمله‌اند:

۱-۱-۵- نزدیک

گاهی موقعیت انسان و یا هر پدیده دیگری نسبت به سایر پدیده‌ها از جهت فاصله سنجیده گشته و طرح‌واره دور یا نزدیک را تداعی می‌نماید. به ویژه آیاتی که در مفهوم قرب الهی با کمک این واژه مورد استعمال قرار گرفته است، در طرح‌واره جهتی قرار می‌گیرد. برای نمونه در آیه «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدََهَا قَوْمًا» (کهف/۸۶) اشاره دارد که در نزدیکی

مکانی که ذوالقرنین احساس نمود خورشید در حال غروب بود و این نزدیکی را به آن منطقه مذکور در آیه متذکر شده است. در نمونه‌ای دیگر و در آیات «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهَرٍ * فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ» (قمر/۵۴-۵۵) خداوند می‌فرماید که متقین در جایگاهی قرار دارند که همه قرب و نعمت و سرور و بقا است، قرب مالکی مقتدر. نکته‌ای که از این آیات قابل استنتاج است، آنکه آنجا جایگاه صدق است و هیچگونه باطل و بیهودگی در آن راه ندارد، دیگر اینکه، در جوار و قرب خدا است. همان چیزی که از کلمه «عند» استفاده می‌شود که اشاره به نهایت قرب و نزدیکی معنوی است نه جسمانی. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳: ۸۱) بنابراین، در این آیات مفهوم قرب کاملاً حس می‌گردد و در آن مسیریمای «متقین» خود را به مرزنامی «ملیک مقتدر» نزدیک می‌نماید و یا در آیه‌ای که حضرت آسیه (س) از خداوند طلب خانه‌ای در نزدیکی او می‌نماید: «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتِ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ائِنِّ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ» (تحریم/۱۱) در این آیه حضرت آسیه (س) به‌عنوان الگوی ایمان معرفی شده و ایشان از خداوند درخواست بنایی در بهشت می‌نماید. از آنجا که خداوند منزله از داشتن مکان است، منظور آسیه، درخواست جایگاه و درجه‌ای عالی در بهشت است، (رک: نسفی، ۱۳۶۷، ج ۳: ۲۷۳؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۵۳؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳: ۵۷۶) مرحله‌ای که در آن رضایت الهی تحقق می‌یابد. در این آیه طبق نظر تفاسیر، «عند» به‌معنای همان نزدیکی به رحمت الهی، (رک: آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۴: ۳۵۸؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۵۷۷، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴: ۳۰۳) بوده و اشاره به قربی از نوع درجه‌ای رفیع در بهشت دارد (رک: زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۵۷۲). آسیه از ساحت کبریائی درخواست می‌نماید که منزلی جوار رحمت و فضل خود برای او مقرر فرماید که سبب قرب معنوی و فضیلت وی بوده و شهادت در راه خداپرستی را نیز نصیب او فرماید. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۶: ۴۷۲) و یا آیاتی که شهداء را زنده و در قرب الهی معرفی می‌نماید: «وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (آل عمران/۱۶۹). مجاورت در این آیه نه به دلیل معنای مکانی و نه به معنای علم و قضاوت خداوند است. این مجاورت به معنای قرب و از نوع رتبه و

درجه بوده و معنای «عند» در اینجا همان قرب است، (رک: آلوسی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۳۳۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۴۰) و نیز آیاتی که درجات و مغفرت و رزق را در نزد و قرب الهی برمی‌شمارد: «أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ رِزْقٌ كَرِيمٌ» (انفال/۴) و یا در آیه «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَتَّخِذُ مَا بُنِنِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ» (توبه/۹۹)، سخن از انفاقی است که سبب قرب گشته و این قرب و نزدیکی، با اضافه شدن «عند» به لفظ جلاله «الله» صورت می‌گیرد. در تمام این موارد خداوند به عنوان محور فرض شده و انسان موقعیت خود را با طرح‌واره نزدیکی و یا دوری نسبت به او تصور و تبیین می‌نماید. همچنین در آیه «وَ مَا أَمْوَالِكُمْ وَ لَا أَوْلَادُكُمْ بِآلَتِي تُتَّقَرَّبُ كُمْ عِنْدَنَا زُلْفَى» (سبأ/۳۷) خداوند محور دانسته شده و انسان با منزلت و مقام خود در تلاش است تا با اموال یا فرزندان به او نزدیک گردد. طبق آیه، اموال و اولاد سبب تقرب نیست و تقوا محلی برای قرب به سوی خداوند است که انسان را به اندازه زلفی (قرببی) به خداوند نزدیک می‌سازد و اموال هیچ کسی سبب تقرب او به خدا نمی‌گردد؛ مگر مؤمن صالحی که در راه خدا انفاق کند و اولاد نیز باعث تقرب نمی‌گردند، مگر اینکه کار خیری انجام دهند و یا تفقهی در دین نمایند و از این اولاد به نیکی و طاعت یاد کنند. با این مفهوم، عند، در همنشینی زلفی، بازتاب معنای قرب است.

۵-۱-۲ بالا-پایین

این طرح‌واره یکی از پرکاربردترین طرح‌واره‌های تصویری واژه «عند» در قرآن کریم است. در این طرح‌واره، انسان خود یا اشیاء را محور قرار داده و موقعیت شیء دیگر را در این جایگاه می‌سنجد که نسبت به او رابطه بالا-پایین دارد. پروردگار عالم در قرآن می‌فرماید: «يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا» (آل عمران/۷) در این آیه بشر، قرآن را کتابی می‌داند که از سوی خداوند نازل شده است و چون در ارتباط پروردگار با بندگان، همواره یک نگاه و تصور بالا به پایین وجود دارد، لذا در آیه فوق، یک طرح‌واره حرکتی در ذهن متصور می‌گردد که در آن خداوند، کتاب خود را از بالا به سوی پایین و بر انسان نازل نموده است. در فضای ذهنی انسان، هر آنچه از جانب خداوند به سوی انسان باشد، چون

حرکت از عالم علوی به عالم سفلی است، حرکت از بالا به پایین دارد. علاوه بر کتاب، مقوله محرک می‌تواند شامل حق: «فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنا» (قصص/۴۸) باشد. حق در این آیه اشاره به قرآن عظیم دارد، (رک: آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰: ۲۹۸) که در آیات مختلف با واژه تنزیل و یا انزال، حرکت از عالم بالا به پایین را تداعی می‌سازد. مقوله متحرک می‌تواند رحمتی از جانب او: «وَآتَانِي مِنَ رَحْمَتِي مِنْ عِنْدِنا» (هود/۲۸) باشد. در طرح‌واره ذهنی بشر، باران از نمونه‌های رحمت الهی از آسمان بر زمین باریده و نوعاً رحمت به‌عنوان مطلوبی دلخواه، از عالم بالا بر زمین و در جهتی عمودی بر بشر نازل گشته است. و یا نعمتی باشد: «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ» (نعمت/۳۴-۳۵) همان تصویرسازی ذهنی بالا به پایین، به فرود رحمت الهی می‌پردازد. همچنین مقولاتی چون هدایت: «رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَنا بِالْهُدَى مِنْ عِنْدِنا» (قصص/۳۷) و یا حتی رزق: «وَجَدَنا رِزْقًا لَها» (مریم/۳۷) اُنِّي لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِنا» (آل عمران/۳۷) نیز از جمله این تصویرسازی‌ها می‌باشد. مفاهیمی چون نصر: «وَما نُنْصِرُ إِلَّا مَنْ عِنْدِنا» (آل عمران/۱۲۶) و یاری الهی به‌عنوان موهبتی که از آسمان بر مومنان نازل شده است. تمام این مفاهیم انتزاعی در طرح‌واره تصویری بالا به پایین در رابطه با انسان قرار می‌گیرند. این طرح‌واره که در همنشینی حرف جر «من» با «عندالله» یا «عندنا» ایجاد شده و مقوله-ای را به مجاورت در نزد پروردگار مختص دانسته و سپس آن‌را به‌سوی انسان‌ها نازل و وارد می‌سازد. حال این مقوله ممکن است در علم الهی و یا در قدرت، مالکیت و یا امر پروردگار باشد، و با توجه به همان تصویرسازی که بشر از عالم سفلی و علوی در ذهن خود دارد، این حرکت جهتی بالا به پایین را ذهن خود تداعی می‌سازد؛ مانند آنکه در هنگام قنوت و دعا دستان خود را به‌سوی بالا آورده و حاجت و خواسته خود را از او طلب می‌نماید.

۲-۵ - مجاورت

در طرح‌واره مجاورت یک شیء یا پدیده در مجاورت شیء یا پدیده‌ای دیگر قرار می‌گیرد. این طرح‌واره از طرح‌واره‌های مبنا می‌باشد. (جانسون، ۱۹۸۷: ۱۲۶) در برخی از آیات مطرح در قرآن، مفهوم مجاورت قابل استنباط است. این معنا در مفهوم حرف ربط «با»ی فارسی و «مع» عربی قابل دریافت می‌باشد. تفاوت مفهوم مجاورت با معنای پیش نمونه‌ای آن است که این مجاورت در فضای انتزاعی و متافیزیکی صورت می‌گیرد این معیت ممکن است مفهوم انتزاعی باشد:

«قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيْ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ تَصْمِيمٍ وَاخْتِيَارٍ (مَحذُوفٍ) عِنْدَ $\frac{c}{tm}$...» (قصص/۲۷) در این آیه گویی تصمیم که بر اساس اختیار گرفته می‌-

شود، شیء‌ای در دست حضرت موسی (ع) و در کنار و در نزد اوست که می‌تواند آن را بکار ببندد یا

خیر. و یا ممکن است مفهومی کاملاً فیزیکی باشد: در آیه «إِلَّا عَاهَدْتُمْ عِنْدَ $\frac{adn}{tm}$ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (توبه/۷) به افرادی که در کنار و مجاورت مسجد الحرام پیمان بسته‌اند اشاره می‌نماید. و نیز ممکن است این مجاورت به معنای متافیزیکی آن در قرآن مطرح گردد ولی حامل طرح‌واره مجاورت باشد، مانند: «قَالَ

عَلَّمَ $\frac{r}{tr}$ هَا عِنْدَ $\frac{lm}{tr}$ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسِي» (طه/۵۲) در این آیه این تصویر در ذهن شکل می‌گیرد که علم درون یک کتاب و در کنار و مجاورت با پروردگار است و از او جدا نمی‌شود. در آیه

«لَهُمْ $\frac{ma}{tr}$ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ $\frac{r}{lm}$ هُمْ ذَٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ» (زمر/۳۴) نیز این تصویر به ذهن می‌آید که خواسته‌های محسنین در مجاورت و نزد خداست و طلب خواسته‌های ایشان در مجاورت خداوند حاصل می‌گردد.

در آیاتی که پروردگار منزلت و جایگاهی برای انسان در نظر می‌گیرد، واژه «عند»، طرح‌واره

مجاورت را برای انسان تداعی می‌سازد: مانند آیه «فَعَفَرْنَا لَهُ ذَٰلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَ $\frac{na}{tr}$ رَبِّي وَ حُسْنَ مَآبٍ» (ص/۲۵) که در آن ذهن انسان، تصویر قرابین خاص یک پادشاه را که در جوار او از منزلت و قدرت و امکانات بیشتری نسبت به سایرین برخوردارند، شکل گرفته و این تصویر را به نگاشت

منزلت و قرب پروردگار اعمال می‌نمایند. در آیه «لَهُمْ $\frac{daral}{tr}$ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ $\frac{r}{lm}$ هُمْ» (أنعام/۱۲۷) نیز به دارالسلامی

در مجاورت پروردگار اشاره می‌نماید. البته بین این طرح‌واره و طرح‌واره «قرب و بعد» تفاوت ماهوی ویژه‌ای وجود ندارد و در هر دو دسته‌بندی می‌تواند متصور گردد.

۳-۵ - مهارشده‌گی

بشر در تجارب زندگی کسب شده از پیرامون خود، با ظرفی سر و کار دارد که دارای شکل و حجم بوده و او تصاویر ذهنی را با مفاهیم ذهنی و انتزاعی پیوند می‌دهد و لذا به نظر می‌رسد تمام مواردی که با این نمونه‌ها انطباق دارد، در دایره مهارشده‌گی تعریف و ارائه گردد.

۱-۳-۵ - حجمی

حجم یکی از طرح‌واره‌های ذهن آدمی است که در آن عناصر درون احجام محصور می‌شوند. (رک: فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۶۳) این تجربه فیزیکی به مفاهیم ذهنی و متافیزیکی انتقال می‌یابد. در طرح‌واره حجمی، واژه «عند» عهده‌دار معنایی می‌گردد که در آن یک شیء در حجمی قرار می‌گیرد. در آیات «عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى * عِنْدَهَا الْمَأْوَى» (نجم/۱۴-۱۵) با کمک واژه «عند» در آیه اول، نشانی می‌دهد که حضرت رسول(ص) در کنار درخت سدرالمنتهی بوده و در آیه دوم، بهشت(جَنَّة) را حجمی فرض نموده‌است که پیامبر اکرم(ص) و آن درخت در آن قرار گرفته‌اند. در حقیقت «عند» دوم عهده‌دار معنای «فی» گشته‌است. مشابه آن در آیه «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى» (نازعات/۴۰-۴۱) است که اشاره به همان «جَنَّة الْمَأْوَى» در آیه ۱۵ سوره نجم دارد.

در کاربرد انتزاعی در آیه «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا ^{حَسَدًا} مِّنْ عِنْدِ ^{النَّفْسِ} $\frac{lm}{tr}$ هُمْ» (بقره/۱۰۹) «عند» در همنشینی با «انْفُسِهِمْ» این تصویر را در ذهن ایجاد می‌نماید که حسد شیء پلیدی است که حجم نفس کافران را پر نموده‌است.

۲-۳-۵ - داخل و خارج

وقتی شیء‌ای به شکل کلی و یا جزئی در زمینه مکانی محصور شده باشد، طرح‌واره مهارشده‌گی را پیاده نموده که گویا وقتی این محدودیت و حصر برطرف گردد، مفهوم خروج را تصویرسازی می‌نماید و در مقابل اگر معنا، حصر را ایجاد نماید، مفهوم دخول را به تصویر می‌کشد. (رک: افخمی و اصغری، ۱۳۹۱: ۳۵)

در آیه «وَلَا تُقَاتِلُوا عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ» (بقره/۱۹۱) «عند» افاده معنای درون را می‌نماید. در آیه‌ای دیگر خداوند مفهوم دوری را با کمک ظرف «عند» به تصویر می‌کشد:

«وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ» (محمد/۱۶) در این آیه خروج از حضور رسول خدا (ص) با کمک واژه «عند» در کنار ضمیری که به پیامبر (ص) باز می‌گردد، تبیین گشته است. فعل «خَرَجُوا» به‌تنهایی مفهوم خارج شدن را می‌رساند، اما استعمال «عند» این تصویر را به ذهن متبادر می‌سازد که آن افراد از فضای متصور خارج شده‌اند که رسول خدا (ع) با ایشان در آن قرار داشته‌اند. در آیه شریفه «فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ» (بقره/۱۹۸) «عند» تصویر داخل شدن به این مکان را تقبل نموده‌است.

۵-۳-۳- پر و خالی

در این طرح‌واره از مجموعه مهارشدگی، مسیریما درون حجمی قرا گرفته و آنرا پر می‌نماید، (صفوی، ۱۳۸۲: ۷۱) مانند: «وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ لَمْ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ» (حج/۴۷) در این آیه، روز قیامت مانند ظرفی در نظر گرفته می‌شود که این ظرف، با هزار سال دنیوی پر می‌گردد.

۵-۴- اتحاد

اشیاء در طرح‌واره اتحاد، دارای نوعی از ارتباط با پدیده‌های فیزیکی اطرافشان می‌گردند که با آن اشیاء یکی شده و قابلیت تصور و ترسیم دارند. به این نوع از طرح‌واره، طرح‌واره اتحاد گویند. (روشن و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۹)

۵-۴-۱- طرح‌واره خطی (جهت دوسویه)

در طرح‌واره خطی یک رابطه جهتی دوسویه (شکل ۲) در ذهن متصور می‌گردد که در میان دو شیء یا پدیده وجود داشته و با یک خط به یکدیگر متصل می‌شوند. وجود این خط زمانی معنادار است که آن دو چیز در دو طرف جهت وجود داشته و به حضور خود پایبند باشند.

شکل (۲): طرح‌واره خطی یک رابطه جهتی دوسویه



مانند آنکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ» (توبه/۷) در این آیه عهد و پیمان مشرکین با خدا، یک رابطه خطی متصل به دو طرف مشرکین و پروردگار را متصور می‌سازد (به‌مانند طنابی که به دو طرف متصل باشد) که شکستن آن عهد به معنای رها نمودن این رابطه خطی طناب‌گونه است.

۵-۴-۲ - کل - جزء

انسان در محیط پیرامون خود با اشیاء و پدیده‌هایی کلی در ارتباط است که دارای پیوستگی و ارتباط با اجزای خود هستند و این موضوع سبب می‌گردد تا در مسائل انتزاعی نیز چنین طرح‌واره‌ای را در ذهن ایجاد نماید. در آیه: «وَ زُخْرُفًا وَ إِن كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ» (زخرف/۳۵) کالای دنیا یک مجموعه کلی در نظر گرفته شده و زخرف (زر و زیورها) جزئی از این کل می‌باشد.

۵-۴-۳ - مجموعه

گاهی اشیاء با سایر اشیاء و یا پدیده‌های اطراف خود یکی شده و در یک مجموعه قرار می‌گیرد. این مجموعه‌های متعدد در ذهن انسان تجربه‌ای ملموس بوده و طرح‌واره مجموعه را در ذهن او رقم می‌زند. برای نمونه در آیات «وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَ زُنُوبًا بِالْقَسْطِ الْمُسْتَقِيمِ... وَ لَا تَغْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ... وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا... كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا» (إسراء/۳۵-۳۸) به مواردی از اعمال انسان اشاره می‌شود که در نزد پروردگار در مجموعه سیئه قرار می‌گیرد. یعنی ذهن، سیئه را مجموعه‌ای کلی در نزد پروردگار در نظر گرفته و موارد مطرح شده در آیات، به‌عنوان زیرمجموعه از سیئه معرفی می‌گردد.

۵-۵ - توازن

انسان تجربیات ملزوم و ضروری در ایجاد توازن و رعایت تعادل، در برخی پدیده‌ها و امور اطراف خود داشته و این تجربه، طرح‌واره توازن را رقم می‌زند و در شواهد قرآنی نیز می‌توان به این طرح‌واره اشاره نمود: «أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ $\frac{tr}{lm}$ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (توبه/۱۹) در این آیه، دو عمل سقایت حج و عمارت مسجدالحرام با عمل مومنانی که در راه پروردگار جهاد می‌نمایند، مورد مقایسه قرار گرفته‌است و در ذهن بشری که در دو کفه ترازو، سبکی و سنگینی چیزی را می‌سنجد، این تصویر شکل می‌گیرد که در میزان خداوند، دو عمل مذکور با یکدیگر برابری نمی‌کند و لذا هر جا سخن از قسط و عدل در نزد (عند) خداوند می‌نماید، این تصویر ذهنی را شکل می‌دهد. در آیه «ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ $\frac{هُوَ}{tr}$ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ» (احزاب/۵) و نیز آیه «ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ» (بقره/۲۸۲) مسائل و موضوعاتی را مطرح نموده و آن‌ها را در همان میزان مفروض ذهنی بشر، به تعادل و توازن، نزدیک برمی‌شمارد. و یا در آیه کریمه «قُلْ أَنتُمْ أَعْلَمُ أَمْ اللَّهُ وَ مَنْ أَظْلَمُ مِنْ $\frac{مَنْ}{tr}$ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَ اللَّهِ $\frac{هُ}{lm}$ مِنَ اللَّهِ» (بقره/۱۴۰) از مخاطب می‌خواهد تا در ترازوی ذهنی خود، عدالت را رعایت نموده و ستمکاری را شناسایی نماید که در دادگاه به کتمان شهادت می‌پردازد. در این دادگاه خود هم در نقش شاهد و هم قضاوت کننده می‌باشد. و یا در آیه شریفه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَمَا $\frac{لَاخِبٌ}{lm}$ عِنْدَ $\frac{tr}{lm}$ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى» (لیل/۱۹) در این آیه و آیات گذشته بلافاصله این تصویر به ذهن متبادر می‌گردد که در معامله، انسان در ازای اعطای چیزی، مبلغی دریافت و یا خدمتی عائد او می‌گردد و این توازن در تمام معاملات او حس و تجربه گشته‌است، اما طبق آیه شریفه، این انسان بدون در نظر گرفتن طرف دوم این توازن و بدون درخواست عوض و رعایت توازن، به بخشش مال خود به نیازمندان می‌پردازد. lm و tr دو طرف این معادله قرار گرفته‌اند. در آیه «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ» (آل عمران/ ۵۹) «عند» به مانند ترازویی است که موقعیت حضرت آدم (ع) و حضرت عیسی (ع) را نسبت به یکدیگر می‌سنجد.

۶-۵ - نیرو

یکی از کاربردهای بسط استعاره‌ی عند، طرح‌واره‌ی تصویری است که در مفهوم نیرو به مخاطب القاء می‌گردد.

در شناخت ذهنی بشر، تعاملی میان موجودات و پدیده‌ها از طریق کنش و واکنش‌هایی چون، مقاومت، غلبه نمودن، اجبار کردن و توانایی مطرح می‌گردد که طرح‌واره‌ی نیرو، شناخته می‌شود. (رک: عموزاده و بهرامی، ۱۳۹۱: ۱۸۴)

۱-۶-۵ - توانایی

نیرو داشتن و یا کمبود نیرو، از مقوله‌های تجربی انسان است که طرح‌واره‌ی توانایی را شکل می‌دهد. (روشن و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۸) انسان در آیه: «الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبِيرًا مَثَلًا لِّمَنْ عِنْدَ اللَّهِ وَمَنْ عِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا» (غافر/۳۵) این نگاهت در ذهن او شکل می‌گیرد که وقتی دو چیز در مقابل یکدیگر قرار گرفته و با هم در جدال و ستیزه هستند، یکی به جهت قوت و توانایی بالاتر بر دیگری مغلوب می‌گردد و لذا در آیه شریفه به این حقیقت هشدار می‌دهد که مجادله‌گران، قدرت مقابله و توانایی روبرویی با قدرت خداوند را ندارند.

در آیه «وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ» (انبیاء/۱۹) «وَمَنْ عِنْدَهُ» مخصوصین به موهبت قرب و حضورند که چه بسا منطبق با ملائکه مقرب باشد. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۳۷۲) طبق تصویرسازی ذهنی انسان، مقربان استکبار نمی‌ورزند یعنی در پیش نفس، خود را صاحب قدرتی ندانسته تا در برابر خداوند و عمل عبادت مقاومتی نشان دهند و به بیانی دیگر، خداوند را صاحب توانایی و ذی نفوذ و ذی قدرت فرض می‌نمایند.

در آیه «فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَلَا إِنَّهُمْ طَائِفَةٌ عِنْدَ اللَّهِ» (اعراف/۱۳۱) نیز به نحوی بر توانایی خداوند بر شگون بد ایشان دلالت دارد. و یا در آیه «وَقَدْ مَكَرُوا مَكَرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ» (ابراهیم/۶۷) اشاره به جزایی می‌نماید که انسان مکرکننده، قابلیت و توانایی رودرویی با آن را ندارد.

۵-۶-۲ - تقابل نیرو

انسان در میان تجربیات حسی پیرامون خود دریافته است که اگر شیء‌ی تحت تاثیر نیروی خارجی قرار بگیرد، باید در برابر آن مقاومت کند. (رک: روشن و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۶) طبق این طرح‌واره موفقیت با پدیده و یا شیء‌ای است که از نیروی بیشتر یا مقاومت بیشتری برخوردار است. در آیه «فَمَا أوتَيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى» (شوری/۳۶) دارایی انسان در نزد خودش (متاع دنیا)، با دارایی انسان در نزد خداوند (اجر و ثواب اخروی) مورد مقایسه قرار و نتیجه آن اعلام شده است. از آنجایی که در نگاه قرآن دنیا و آخرت دو کالای کاملاً متفاوتند، کاربرد «عند» میان دنیا و آخرت، این تصویر را به ذهن می‌رساند که کالای دنیا کم ارزش‌تر و کم‌بهارتر از کالای آخرت است و توانایی مقابله و مقاومت در برابر آن را ندارد.

۵-۷-۷ - برجستگی

در طرح‌واره برجستگی، یک شیء یا پدیده با سایر اشیاء یا پدیده‌هایی که در یک سطح قرار دارند مورد مقایسه قرار گرفته و معلوم می‌گردد که دارای برجستگی و تمایز ویژه نسبت به بقیه موارد می‌باشد. برای نمونه در آیه «يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ $\frac{lm}{tr}$ أَنْفَاكُمْ» (حجرات/۱۳) بعد از آنکه خداوند از تکثر و تنوع خلقت انسان‌ها در جنسیت و قبایل و ملت‌های مختلف سخن می‌گوید، در ادامه آیه، این تصویر در ذهن شکل می‌گیرد که همه این انسان‌ها در نزد خداوند در یک سطح مقطع قرار داشته و تنها باتقوایان افرادی متفاوت، بارز و برجسته‌اند. به‌مانند باغی از گل‌های آفتابگردان که تنها برخی از گل‌های آن نسبت به سایرین، بلندتر و بارورتر و برجسته‌تر می‌نمایانند.

۵-۸-۸ - موجودیت

در این طرح‌واره، هر شیء یا پدیده در جهان دارای ویژگی‌هایی است که با آن ویژگی‌ها شناخته می‌شود. بنابراین، می‌توان، با در نظر گرفتن ویژگی‌های اشیاء، طرح‌واره‌ای در ذهن خود ساخت که با آن طرح‌واره در همه اجزاء قابلیت نگاهت داشته باشد، (رک: روشن و دیگران، ۱۳۹۲: ۹۲) برای نمونه

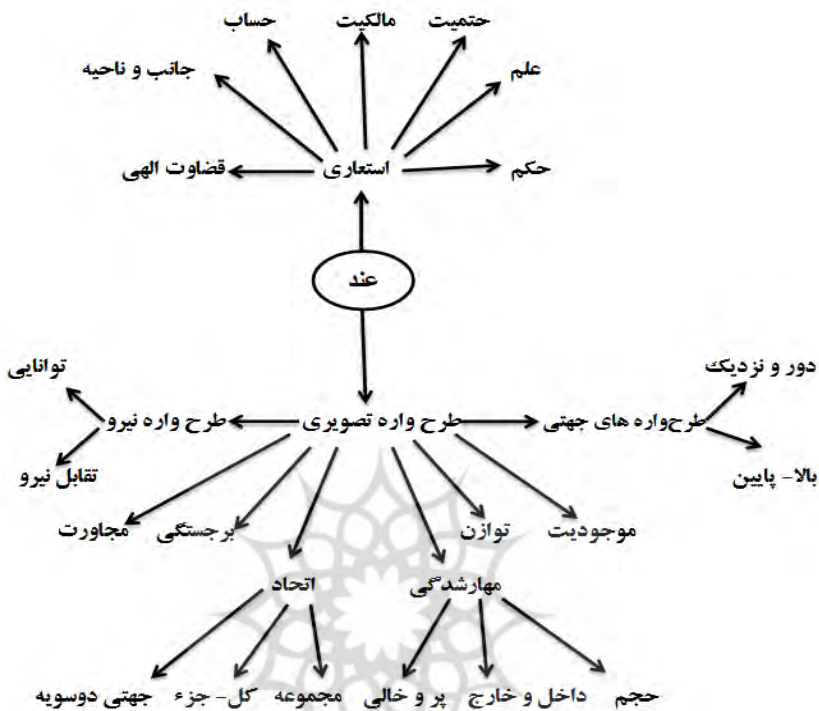
در آیه «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ $\frac{lm}{tr}$ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ» (توبه/۳۶) حسابداری در ذهن متصور شده است که برای خود دفتر حسابی داشته و امورات خود را تنها در قاعده و قوانین دفتر حساب خود تحلیل می‌نماید. در این آیه نیز خداوند، طبق حساب دفتری خود که بر مبنای احکام دینی می‌باشد، ماه‌های قمری ۱۲ گانه را اصل حساب در دین قرار می‌دهد.

شبکه معنایی «عند» را می‌توان در شکل (۳) ارائه نمود. در این شکل، مجموعه معانی استعاری و نیز مبانی طرح‌واره های تصویری قابل تعریف برای واژه «عند» و زیرمجموعه‌های آن نمایش داده شده است. از طرح‌واره های ارائه شده، برجستگی و نیز طرح‌واره جهتی دوسویه از زیرمجموعه طرح‌واره اتحاد، از ابداعات این مقاله می‌باشد.

جدول (۱) طرح‌واره های تصویری «عند» در قرآن کریم

عناوین کلی طرح‌واره‌های تصویری (عند) در قرآن کریم	نیرو	جهتی	مهارشدگی	اتحاد	توازن	برجستگی	مجاورت	موجودیت
	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
زیرعناوین طرح‌واره ها	توانایی	دور-نزدیک	حجم	مجموعه				
	تقابل نیرو	بالا-پایین	داخل-خارج	کل-جزء				
			پر-خالی	جهتی-دوسویه				

شکل (۳): شمای کلی کاربردهای «عند» در قرآن کریم



۶- نقد کاربست نظریه طرح‌واره‌های تصویری «عند»

۱. اولین موضوعی که در کاربرد طرح‌واره‌های تصویری بر مفاهیم و مقوله‌های قرآنی مطرح می‌گردد، آن است که تجربیات حسی انسان در نقش مواد اولیه اندیشه، نگاشت‌های ذهنی برای او به وجود می‌آورند که برگرفته از متن غیرقرآنی است و ممکن است فرد را با خطر تفسیر به‌رأی و یا پدیده «تطبيق» روبرو سازد. لذا در تصویرسازی‌های ایجاد شده از محیط پیرامون انسان حساسیتی وجود نداشته ولی در او باید این برانگیختگی ایجاد شود که خوانش صحیح از متن کتاب مقدس قرآن چه می‌باشد.

۲. کاربردهای استعاری از واژه «عند» کاملاً متقن بوده و به استناد منابع لغوی، این واژه نقش‌های مهمی را در تفهیم غرض خداوند متعال ایفاء نموده‌است. اما آنچه که طرح‌واره‌های تصویری مدعی آن است مبنی بر اینکه خداوند متعال از تجربیات حسی انسان برای درک مقوله‌های متافیزیکی استفاده

می‌نماید، تنها به شکل مقدماتی و پیش‌زمینه‌ای صحیح و مفید می‌باشد و اگر این مقدمه در ادامه اصلاح نگردد، مظهری از شرک و تجسیم را برای انسان پدید می‌آورد. برای نمونه انسان که از واژه قرب و عند، مفهوم فیزیکی و مکانی نزدیک بودن دو شیء یا پدیده را به یکدیگر تجربه نموده است، در کاربرد قرآنی آن، متوقف بر این معنا نبوده و در تلاش است تا بتواند نگاشت‌های ذهنی او را از هرگونه تصویری که به صفات سلبی و ثبوتی او در حیطه شناخت توحیدی لطمه وارد سازد، پرهیز داده و تحذیر نماید.

۳. طرح‌واره‌های مطرح در فضا‌های غیرالهی مفید توجه بوده و در بقیه موارد باید با حساسیت مورد کاربرد قرار گیرد. برای نمونه مفهوم قرب الهی و مقام عنایت مقوله‌ای نیست که هرگز بتوان با طرح-واره‌های تصویری آن را تبیین نمود و اتفاقاً قرآن درصدد است تا به انسان قدرت تفکیک داده و هرگونه تصویرسازی‌های ذهنی، از جنس تجربه بشری را در این حیطه وارد نسازد. هنر قرآن آن است که در مقولاتی اینچنینی، در ابتدا به استعاره‌پردازی پرداخته و بعد از آشنایی و ارتقای ذهن مخاطب به مقولات فراحسی و فوق تجربی، در آیات دیگری به تنزیه و رفع زوائد ذهنی پیرامون آن استعاره بپردازد.

۴. رابطه بالا به پایین میان خداوند و انسان، تنها به شکل استعاری معنا داشته و ذهن او باید از این تصویرسازی‌ها پاک گردد؛ به ویژه در مفاهیمی توحیدی و رسیدن به ایمان صحیح اعتقادی، این تنزیه، اصلی ضروری است. طرح‌واره «مجاورت» در نگاشت با مقوله‌های الهی تنها با نظریات و عقاید تجسیم و تشبیه قابل توجیه بوده و در تفکر توحیدی جایی ندارد. حتی در مقوله‌هایی که به طور مستقیم با صفات الهی در ارتباط نبوده، طرح‌واره‌های تصویری به شکلی مقدماتی به درک ذهنی کمک می‌نماید و هرگز نیاز آن را برای درک معنای حقیقی یاری نمی‌سازد. برای نمونه در آیاتی که به حساب، میزان و نامه اعمال اشاره می‌شود، بدون شک ذهن به تصویرهای ایجاد شده بسنده ننموده و پرسش‌های جدیدتری را برای او شکل می‌دهد و این مساله از آن جهت است که فضای عالم فوق ماده به جهت کیفی برای بشر محسوس و تجربی نبوده و درک او از طریق روح انجام می‌پذیرد.

نتیجه

از ابعاد معنایی که از کاربردهای مختلف واژه عند در قرآن کریم قابل استنباط است، می‌توان به بازتاب معنایی صفاتی چون علم و مالکیت و احاطه الهی، حکمیت و قضاوت الهی، قطعیت و حتمیت امرالهی، ... اشاره نمود. با این وجود طرح‌واره‌های قابل تصور برای این واژه در قرآن، حوزه‌های جدید معنایی را شکل داده و با کمک لفظ‌های اعتباری به ارائه مفاهیم فوق مادی می‌پردازد. برای نمونه زمانی که از واژه عند، طرح‌واره‌های نزدیک و دور (قرب و زلفی) بازتاب می‌گردد، مخاطب، با توجه به آیاتی که هرگونه نزدیکی فیزیکی را درباره خداوند محال می‌داند، این معانی را در ذهن خود در سطح مفاهیم متافیزیکیال ساختاربندی می‌نماید.

آنچه که طرح‌واره‌های تصویری مدعی آن است، در حوزه قرآن و تفسیر باید تنها به شکل مقدماتی مطرح و تفاوت‌های آن با فضای متافیزیکی متمایز گردد. چشم پوشی از تنزیه ذهنی در این حوزه آفات بسیاری را به‌ویژه در تفسیر وارد نموده و با اصول اعتقادی کلام اسلامی در تضاد است. طبق آیه سوم سوره زمر، عرب با بهانه شفاعت و توسل درصدد است تا ذهن ناآرام خود را در پرستش خدایی دیدنی و ملموس رام نموده و لذا با وجود آگاهی به عدم کارکرد تماثل، به اصلاح و تنزیه ذهن خود و بالا بردن هوش معنوی در درک خدای نادیدنی با ماهیتی ناشناخته نمی‌پردازد.

اگرچه طرح‌واره‌های تصویری، درصدد ایجاد خدشه در باورهای توحیدی انسان نبوده‌اند، اما اصالت به این نظریه، بدون رفع شبهه و تعیین محدوده‌های ورود و اعمال آن به آیات، آفات مذکور را در پی داشته و مانع از پرواز و ترقی روح بشر می‌گردد. لازم به ذکر است که مفاهیم عالم علوی در ارتباط عینی و حقیقی با یکدیگرند و از دایره مجاز خارج می‌گردند و لذا این نظریه‌ها برای درک آن مفاهیم از اصالتی برخوردار نمی‌باشد. ذهن وسیله و ابزاری برای زندگی مادی و تجربی بشر بوده و درک مقوله‌های مرتبط با روح انسان، به واسطه آن امری ناصحیح و غیرمفید در حیطه توحید ناب اسلام است. حداقل می‌توان مدعی شد که کارکرد این طرح‌واره‌ها تنها در درک مفاهیم غیرالهی برای تقریب ذهن مفید فایده باشد.

منابع

- قرآن کریم، (۱۴۱۵ق)، ترجمه محمدمهدی فولادوند، تهران، ناشر دارالقرآن الکریم.
۱. افخمی، علی، اصغری، زهرا، (۱۳۹۱)، «چگونگی اشتقاق مفاهیم غیرمکانی از مفهوم مکانی حرف اضافه «در» در حوزه معناشناسی شناختی و براساس نظریه LCCM»، فصلنامه زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)، ش ۷، صص ۲۷-۴۸.
 ۲. امین، سیده نصرت، (۱۳۶۱ش)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان.
 ۳. اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ق)، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت، دارالفکر.
 ۴. ابن عجبیه، احمد بن محمد، (۱۴۱۹ق)، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره، نشر دکتر حسن عباس زکی.
 ۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دارصادر.
 ۶. ابن هشام انصاری، ابی محمد عبد الله جمال الدین، (بی تا)، مغنی اللیب، بیروت، منشورات مکتبه الصادق للمطبوعات.
 ۷. آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
 ۸. حسینی همدانی، سید محمد حسین، (۱۴۰۴)، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی.
 ۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه.
 ۱۰. روشن، بلقیس، یوسفی راد، فاطمه، شعبانیان، (۱۳۹۲ش)، «مبنای طرح‌واره استعاره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان»، مجله زبان‌شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۲، صص ۹۴-۷۵.
 ۱۱. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی.
 ۱۲. سامرائی، فاضل صالح، (۲۰۰۰م)، معانی النحو، بیروت، دارالفکر.
 ۱۳. صفوی، کوروش، (۱۳۸۲ش)، «بحثی درباره طرح‌واره‌های تصویری از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی»، مجله نامه فرهنگستان، ش ۲۱، صص ۸۵-۶۵.
 ۱۴. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.

۱۶. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۸. عموزاده، محمد، بهرامی، فاطمه، (۱۳۹۱ش)، «ساخت افعال سبک بر اساس زبان شناسی شناختی»، فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، ش ۴، صص ۲۰۵-۱۸۱.
۱۹. فتوحی، محمود، (۱۳۹۰ش)، سبک شناسی: نظریه رویکردها و روشها، تهران، نشر سخن.
۲۰. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، العین، قم، انتشارات هجرت.
۲۲. قائمی‌نیا، علیرضا، (۱۳۹۰ش)، معناشناسی شناختی قرآن، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۳. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۷ش)، قاموس قرآن، تهران، بنیاد بعثت.
۲۴. گلفام، ارسلان، یوسفی راد، فاطمه، (۱۳۸۵ش)، «بررسی حروف اضافه مکانی در چارچوب شناختی مطالعه موردی حرف اضافه «در»»، مجله زبان و زیان‌شناسی، دوره ۲، ش ۳، صص ۳۳-۴۶.
۲۵. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰ش)، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. نسفی، ابو حفص نجم‌الدین محمد، (۱۳۶۷ش)، تفسیر نسفی، تحقیق: دکتر عزیزالله جوینی، تهران، انتشارات سروش.
۲۸. نصرتی، شعبان، (۱۳۹۴ش)، «رساله دکتری معناشناسی شناختی قلب در قرآن»، دانشگاه قرآن و حدیث، استاد راهنما: دکتر علیرضا قائمی‌نیا و دکتر رضا برنجکار.
29. Johnson, M. (1987), The body in the Mind: The Bodily Basis of Meaning. Imagination and reason". Chicago: Univestity of Chicago Press.
30. Hampe, B. (2005). "Image Schemas in Cognitive Linguistics: introduction". in form perception to Meaning: image schemas in cognitive Linguistic. New York mouton de Gruyter.
31. Lakeoff, G. (1987). Woman, Fire and Dangerous things, What Categories Reveal about the Mind. Chicago and London: Chicago University Press.
32. Lakoff, G. & M. Johnson, (1993), Metaphors We Live, Chicago, Chicago University Press.
33. Turner, M. (1991). Reading Minds: The study of English in the Age of Cognitive Science. Princeton: Princeton University Press.

**A Critical Application of the Theory
of "Enda" Pictorial Schemas in the
Qur'an**

Fateme Qorbani Laktarashani²
Zeinab Sadat Hosseini³

Abstract

Cognition as one of the most important perceptual powers of humans is used by God in making Qur'anic issues understandable. Visual schemas are repetitive and dynamic patterns of human perceptual and sensory-motor interaction and are composed of meaningful experiences, in a way that they are highly used in their relations with the environment. The word "enda", which is equivalent to the English word "near" and conveys the concept of proximity, has different metaphorical uses in the Qur'an. In the present descriptive-analytical study, besides counting its metaphorical applications, schemas of the word "enda" in the Qur'an, which have the potential to be visualized by the audience and convey special meanings, were categorized. According to the research findings, the basic schemas compatible with the word "enda" include directional, inhibition, unity, proximity, force, and existence. The basic schema of "prominence" and the subtitle "linear schema (two-way directional)" is one of the innovative results of this article. It should be noted that the originality of the category of pictorial schemas within the boundaries of metaphysical concepts in the Qur'an should be confirmed carefully and sensitively, and in the interpretation of ayahs, the virtual nature of the applications should be emphasized and analyzed.

Keywords: the Qur'an, Enda, proximity, visual schemas, metaphorical extension

-
1. Date Received: March 29, 2021; Date Accepted: July 22, 2021
 2. Corresponding Author PhD in Qur'anic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, University of Mazandaran; Email: f.qrb2017@gmail.com
 3. Associate Professor, Department of Islamic Teachings, Faculty of Theology, University of Mazandaran; Email: z.hosseini@umz.ac.ir